

توبه در ایران باستان\*

دکتر جهانگیر فکری ارشاد\*\*

E-mail: Jahangir-Fekri@yahoo.com

چکیده:

از متون ایرانیان باستان چنین برمی آید، هرگاه شخصی عملی خلاف اخلاق یا شرع مرتکب می‌شد، به عنوان کفاره گناه خود باید به یک اقدام سودمند اجتماعی قیام می‌کرد تا روح خود را از عقوبت آن گناه و عذاب دوزخ رهایی بخشد و بدین ترتیب ضمن پالودن روان خود، به آرامش ابدی در آن دنیا نیز دست یابد. از آنجا که «توبه» جنبه شخصی داشت، باید اعتراف به گناه توسط شخص گناهکار و در زمان حیات خودش در این دنیا انجام می‌گرفت، ولی با گذشت زمان بنابر دلایل گوناگون به افراد اجازه داده شد، به جای دیگری، مراسم اقرار به گناه و توبه را به جا بیاورند و کفاره گناه را که کم‌کم به اظهار ندامت و پشیمانی صرف محدود شده بود، به نیابت از طرف فرد خطاکار به عهده بگیرند. همچنین بعدها نوعی از خرید گناه نیز در ایران مرسوم گردید و سرانجام اگرچه نیت اصلی «توبه» همچنان پاک و منزه پا برجا ماند ولی راههای جبران گناه در طی قرون دچار دگرگونی شد.

واژه‌های کلیدی: توبه انابت - توبه استجابت - پت - گیتی خرید - کرفه - نوزود

مقدمه

بازگشت از طریق حق و سرپیچی از اوامر خالق گاه در دل مخلوق چنان آشوبی به پا می‌کند که پشیمانی و شرمندگی آن، روح و روان آدمی را منقلب می‌سازد و سرانجام در

\* - تاریخ وصول ۸۲/۹/۲۱ تاریخ پذیرش ۸۲/۱۲/۱۰

\*\* - دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان

لحظه‌ای خاص توفیق توبه و بازگشت به سوی حق تعالی نصیب انسان می‌گردد. در آن هنگامی که روح از خواب غفلت بیدار می‌شود، انسان نادم شرمنده از فعل مذمومی که انجام داده است، به درگاه خداوند روی می‌آورد و ضمن طلب مغفرت با خدای خود عهد می‌بندد که از گناهی که مرتکب شده است، تبرا جوید و در آینده به همه حقوق خالق قیام نماید. توبه، آن طور که گفته شده «اول پشیمانی در دل است، پس عذر بر زبان، پس بریدن از بدی و بدان» (میبدی، ۱۳۳۱-۳۹، ج ۲، ص ۴۵۲). به طوری که تاریخ ادیان مختلف نشان می‌دهد، توبه و انابت از دیرباز در همه ادیان مرسوم و معمول بوده و برای آرامش روح در هر دو جهان توصیه شده است. اصولاً توبه را پشیمانی انسان از فعلی دانسته‌اند که مخلوق بر اثر غفلت مرتکب شده و چون به گناه بودن آن فعل واقف گشته است، با عزم به این که در صورت توانایی بدان گناه باز نخواهد گشت، اقدام به توبه می‌نماید (مصاحب، ۱۳۴۵-۷۴، ج ۳، ص ۶۷۷). روی آوردن به خالق گاه به جهت ترس از آفریدگار است که توبه انابت را ایجاب می‌کند و گاه به علت شرم از خداوند است که مخلوق توبه استجابت را بر خود واجب می‌بیند. به همین دلیل است که برخی مقام انابت را برتر از مقام توبه دانسته‌اند (میبدی، ۱۳۳۱-۳۹، ج ۱۰، ص ۱۶۴) زیرا انابت بازگشت بنده است به سوی حق از طریق دل و همت<sup>۱</sup>، درحالی که توبه بازگشت بنده است از معصیت به سوی اطاعت. به هر تقدیر از قدیم‌الایام پوزش از گناه وسیله‌ای بوده است تا انسان پشیمان درون خود را از پلیدی و تیرگی پاک سازد و بنابر حدیث پیغمبر اکرم (ص) با صفای درونی که پس از توبه پیدا می‌کند، با مؤمنان دیگر برابر گردد<sup>۲</sup>.

از آن زمانی که هندی‌ها و ایرانی‌ها به صورت یک قوم واحد با یکدیگر زندگی می‌کردند و زبان و زیستگاه مشترکی داشتند، متأسفانه آثار مکتوبی به جا نمانده است. از هزاره اول پیش از میلاد مسیح که هندی‌ها در شمال و بخش مرکزی هند و پاکستان ساکن شدند و طایفه ایرانی به نجد ایران مهاجرت کرد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۰، ص ۶)، خوشبختانه متون قابل توجهی به دست ما رسیده است. قدیم‌ترین اثر مکتوب این دو طایفه از طرفی سرودهای «ودا» و از سوی دیگر نوشته‌های کتاب مقدس «اوستا» است. با اندکی تفحص در این سرودهای چهارگانه و متن

کتاب اوستا می‌توان چنین نتیجه گرفت که امر توبه و حتی نحوه جبران گناهی که انسان مرتکب شده است، سابقه‌ای بس طولانی‌تر از این متون مکتوب دارد و به طور مسلم در آداب و رسوم انسانهای پیش از این تاریخ نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

در «ودا»ها که کهنترین نوشته‌های مذهب هندوئی یا برهمنی به شمار می‌روند، بارها در سرودهای متعدد به توبه و بازگشت از گناه اشاره شده است. در «ریگ ودا» (جلالی نایینی، ۱۳۴۸، صص ۳۳۰ و ۲۶۸ و ۱۳۳) که بیش از هزار سرود مذهبی را در بر دارد، در سرود بیست و چهارم از ماندالای اول<sup>۳</sup> و سرود هشتاد و پنجم از ماندالای پنجم و سرود هشتاد و ششم از ماندالای هفتم چنین می‌خوانیم:

صد بوی خوش از آن توست، ای پادشاه، بلکه هزار<sup>۴</sup> باشد که الطاف تو بر ما نیز ژرف و پهناور باشد. ویرانی خویش را از ما دور ساز - بسیار دور. و گناهمانی که ما مرتکب شده‌ایم، از ما برگیر.

اگر ما درباره آن که ما را دوست دارد گناهی کرده و یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه‌ای که با ما است یا بیگانگان خطایی مرتکب شده‌ایم، ای ورونا، این تقصیر را از ما بردار. اگر ما چون قماربازان در بازی تقلب کنیم یا تقلب کرده‌ایم یا ندانسته یا دانسته گناه نموده‌ایم، همه این گناهان را مانند غل و زنجیر از ما دور ساز، و ای ورونا، ما را مورد مهر شخص خویش قرار بده.

از کردار بد نیاکان، و نیز از نافرمانی‌هایی که خود کرده‌ایم، در گذر. ای پادشاه، همان گونه که از گناه دزد و غارتگر انعام و احشام در می‌گذری، از لغزش (سراینده این سرود) درگذر، و همان طور که از گردن گوساله یوغ برمی‌داری و او را آزاد می‌سازی، مرا از گناه سبکبار کن. ما به خواهش و اراده خود مرتکب گناه نشدیم، فریب و اغوی، مستی، نادانی، قمار یا خشم باعث شده است.

برادران ایرانی این طایفه نیز که قبل از جدایی دارای دین مشترکی بودند، در متون مذهبی خود اشارات متعددی به توبه و اثرات آن دارند. نکته مهمی که در این آثار مکتوب جلب

توجه می‌کند، شرایط توبه و شیوه جبران گناه است. به طوری که از این متون کهن مستفاد می‌شود، در نزد ایرانیان باستان «گناه» با اقرار صرف و استغفار و اظهار ندامت بخشیده نمی‌شود. تائب برای پاک کردن گناه خود باید اقدام به اعمال ثواب نماید و توبه خود را با بخشش و انفاق به دیگران همراه سازد (بویس، ۱۳۷۴، ص ۴۲۵ و پورداد، ۱۳۵۵، ص ۹۳). در بخشی از کتاب اوستا که به «ویدیو دات»<sup>۵</sup> شهرت دارد، شاهد کفاره‌هایی هستیم که برای گناهان تعیین و توصیه شده است. برای نمونه در فرگرد<sup>۶</sup> چهاردهم چنین آمده است که شخص گناهکار برای رستگاری روح خود باید به عنوان کفاره گناهی که مرتکب شده است، وسایل مورد نیاز آتشکده را تقدیم موبدان کند، به کشاورزان آلات زراعت را ببخشد و به سپاهیان ساز و برگ نظامی و ابزار جنگی هدیه نماید. در فرگردهای «ویدیو دات» نیز به اقدامات عام‌المنفعه بسیاری اشاره شده است که تائب برای کفاره روح خود باید انجام دهد تا توبه‌اش در درگاه خداوند پذیرفته گردد. گوشه‌ای از این خیرات و مبرات و اعمال سودمند را چنین می‌توان نام برد:

تقدیم ده هزار بسته هیزم خشک از چوب سخت درست باز دید شده برای نذر آتش، کشتن حیوانات مضر و حشرات موذی، حفره ده هزار گودال برای غسل مس میت، ساختن چهارده آلت آتش روشن کنی برای روحانیون زردشتی، اهدای آتش ورز، آتش روشن کن، آتش پاک کن، آتش گرم کن و عود دان که زیرش پهن و سرش تنگ است، تبری که دمش و نوکش تیز است، تیشه‌ای که دم و نوکش تیز است برای استعمال در آتشکده‌ها، اهدای نیزه، شمشیر، گرز، کمان، سپر با حلقه، سی قبه آهنی، فلاخن با دنباله ساخته از پی به درازای یک بازو همراه با سی سنگ فلاخن، زره، گردن بند، نقاب، خود، کمر بند و ران بند به سپاهیان زردشتی، اهدای خیش و حیوان زراعت، یوغ، تازیانه و گوازه<sup>۷</sup>، هاون سنگی و دستاسی که سنگ بالایش درست آرد کند، به برزگران زردشتی، حفر یک جوی آب به عمق یک گام و عرض یک گام، پیشکش یک قطعه زمین قابل زراعت به مردمان پرهیزگار زردشتی، بخشش یک خانه دارای طویله حیوانات، اهدای یک رختخواب خوب زیرانداز و روانداز به مردمان پرهیزگار زردشتی، دادن

خواهر یا دختر باکره بزرگتر از پانزده ساله خود به یکی از مردمان پرهیزگار زردشتی به زنی، دادن چهارده حیوان کوچک نظیر گوسفند به مردمان پرهیزگار زردشتی، احداث چهارده پل بر روی آب جاری، سیر کردن هجده شخص پرهیزگار زردشتی، تبدیل خوراک ناموافق هجده قاصد (مسافر) به خوراک موافق ... (داعی الاسلام ۱۳۲۷، صص ۹-۱۳۵).

این دستورات شرعی قرن‌ها در نزد ایرانیان باستان جاری بود و هیچگاه به اظهار ندامت صرف اکتفا نمی‌شد. حتی ابوریحان بیرونی سالهای دراز پس از ظهور اسلام درباره کفاره گناه در نزد زردشتیان می‌نویسد: «روزه برای آنان ممنوع است<sup>۱</sup> و هرکس روزه بگیرد، مرتکب گناه شده است و کفاره آن اطعام گروهی از مساکین است» (بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۲۳۰). در دین مبین اسلام هم کفاره گناه فلسفه‌ای بس عمیق دارد و تنها به اظهار پشیمانی محدود نمی‌شود، بلکه نفع عملی آن نیز همواره مورد نظر بوده است. از جمله در خبر آمده است: «هر که توبه کند و از مال وی آنچه از قوت به سر آید انفاق نکند، تائب نیست.» (میبدی، ۳۹-۱۳۳۱، ج ۲، ص ۴۵۳).

با گذشت زمان و نزدیک شدن به قرون وسطای میلادی مسأله توبه و کفاره آن دستخوش تغییرات عمده‌ای شد. در اروپا کلیسای کاتولیک رومی برای توبه تشریفات خاصی قایل شده بود، بدین ترتیب که مسیحیان کاتولیک ناگزیر بودند حداقل سالی یک بار نزد کشیش «توبه شنو» (confessor) بروند و به گناهان خود اعتراف نمایند. در طول سال نیز هر بار گناهی از آنان سر می‌زد، نزد همین شافی یا توبه شنو می‌شتافتند و کشیش پس از شنیدن اعترافات که باید حتماً محرمانه باقی می‌ماند و فاش نمی‌شد، مجازاتی از قبیل نماز و دعا به عنوان کفاره گناه تعیین می‌کرد. با انجام این آیین مقدس و بجا آوردن کفاره مقرر، روح گناهکاران از فعل گناهی که مرتکب شده بودند، پاک می‌شد و از عقوبت پس از مرگ رهایی می‌یافتند. ناگفته نماند که شرط اصلی اجابت توبه در پیشگاه خداوند همانا اخلاص درونی شخص گناهکار بود که با پروردگار خود عهد ببندد که هرگز به گناه رجوع نکند.

این اعتقاد که بوسیله اوراد و ادعیه می‌توان در آن دنیا از مکافات عمل زشت خود در امان بود، بعضی اقشار سطح پایین جامعه ایران باستان را نیز اندک‌اندک فرا گرفت و فلسفه توبه و کفاره آن را به راه تازه‌ای کشاند. در این هنگام ایرانیان نیز تحت تأثیر عامل فوق‌الذکر بدان سو متمایل شدند که کفاره گناهان خود را در تمام زمینه‌های اخلاقی، دینی و مطهرات توسط اوراد و اذکار پرداخت نمایند. بدین ترتیب بخصوص قشر عوام به راه دیگری کشیده شد و آحاد طبقه کم درآمد اجتماع برای تأدیه گناهان خود راه آسانتری یافتند.

تغییر عمده بعدی که توبه را به راههای دیگری کشاند، مسأله «نیابت» بود. در این خصوص در فقرات هفتاد تا هفتاد و دو از فرگرد هفتم «ویدیو دات» آمده است که اگر زنی سقط جنین کند و از شدت ناتوانی دچار تب شود و گرسنگی و تشنگی مفرط بر او غالب گردد، می‌توان به اندازه رفع عطش به او آب داد. در این حالت اگر اطرافیان این زن او را از نوشیدن بیش از اندازه منع نکنند، گناهکار محسوب خواهند شد و باید جریمه شوند (داعی‌الاسلام، ۱۳۲۷، صص ۸۰-۷۹). ولی در قرون بعدی دستور شرعی بدین شکل درآمد که به آن زن، اگرچه نحس است، می‌توان آب داد و چنانچه زمستان باشد، می‌توان او را نزدیک آتش برد تا گرم شود، اما در این صورت باید شوهر به نیابت از آن زن نزد موبد جامع‌الشرایط برود و مراسم توبه را بجا آورد (Unvala, 1922, V.1, p.229). پدر نیز می‌توانست به نیابت از فرزندش که زیر پانزده سال سن داشت، اقدام به توبه نماید (میرفخرایی، ۵۳، ۱۳۶۷، ص ۵۳). گذشته از این موارد، چون توبه جنبه شخصی داشت، نمی‌توانست به نیابت انجام شود و بعلاوه تائب مجاز نبود برای کفاره گناه خود نایب تعیین کند. به تدریج در طی سالها امر نیابت در برخی امور شرعی گسترش پیدا کرد و کم‌کم به انواع «توبه» هم سرایت نمود و راه را برای بسیاری مسایل بعدی نیز باز کرد.

یکی از بدیهیات آیین مزداپرستی و دین زردشتی آن بود که چون گناه جنبه شخصی داشت و گناهکار شخصاً مسؤول فعل خلاف خود بود، باید در «زمان حیات» خود اقدام به توبه و اصولاً هر کار خیر، می‌کرد. با بروز مسأله «نیابت» این امر نیز دچار دگرگونی شد و بازماندگان

شخص متوفی اجازه یافتند، برای رستگاری روح درگذشتگان خود طلب مغفرت کنند و در نتیجه کفاره مقرر را نیز تأدیه نمایند تا متوفی در آن دنیا از عقوبت گناہانی که در این دنیا مرتکب شده بود، معاف گردد. ناگفته نماند که بسیاری افراد از همان هنگام نیز اعتقادی به این امر نداشتند و همچنان معتقد بودند و هستند که توبه و کار خیر باید در زمان حیات شخص صورت گیرد تا موجب بخشایش گناہان او شود. سالهای دراز بعد از این تاریخ، بزرگترین شاعر زردشتی هنوز هم بر این اعتقاد چنین تأکید می‌کند (زرتشت بهرام پژدو، ۱۳۳۸، ص ۹۲).

بدانند هرکس سرانجام خویش

بورزند کرفته<sup>۹</sup> در «ایام خویش»

از طرف دیگر رسم «فروش بخشایش» که مسیحیان در قرون وسطی برای رهایی از عقوبت گناہان بنا نهاده بودند، در اینجا نیز اثر خود را بخشید و مسأله جدید دیگری تحت عنوان «گیتی خرید» پیش آمد (Modi, 1922, p.433). این رسم یکی از تشریفات مذهبی است که پیش از مرگ به عمل می‌آوردند تا آن دنیا را بخرند و رستگار گردند (فروه‌وشی، ۱۷۶، ۱۳۵۲، ص ۱۷۶). در کتاب «صد در نثر» تصریح شده است که اگر کسی نتوانست «گیتی خرید» کند، می‌تواند این مهم را توسط دیگران انجام بدهد: «و هیچ حال اگر به دست خویش نتواند کردن، بیاید فرمودن. پس ناچار می‌باید که گیتی خرید بیزند<sup>۱۰</sup>، همچنان بود که به دست خویش یشته<sup>۱۱</sup> باشند» (Dhabhar, 1909, p.5). در کتاب «صد در بندهش» به طور مشروح درباره «گیتی خرید» و اجر اخروی آن سخن رفته است (Dhabhar, 1909, pp.111-3).

گیتی خرید کردن در دین چنان پیداست که اگر یک تن چندان کرفته بکند که آن را قیاس نبود و نوزود<sup>۱۲</sup> نکرده باشد، بهشت رسد و لیکن به گروثمان<sup>۱۳</sup> نرسد و چون خویشتن نوزود نتواند کردن، فرض آن است گیتی خرید به می‌باید یشتن. چه در دین چنان گوید که آن روز که گیتی خرید آن کس یزند، سه بار روان آن کس مینوگاهان برگیرد و به بهشت و گروثمان برد و او را نیکویی و رامش نماید، جایگاه مقام او در گروثمان پدیدار کند و مزده و

امید می‌دهندش که این جایگاه آن تست، باز گیتی آورد. معنی گیتی خرید آن است که در گیتی آن گیتی خریده باشد و اگر نوزود نکرده باشد یا گیتی خرید نفرموده باشد و اگرچه بسیار کرفه‌ها کرده باشد، چون به بهشت رسد، جایگاه خویش نداند و عاجز و متحیر بود و مانند کسی که درین گیتی در شهری غریب شود، اگرچه شهری خوش باشد، چون شهر نه او باشد و جایی نداند که کجا مقام کند و را ناخوشی بود. پس می‌باشد که مردم درین جهان طلب کنند تا چون ازین جهان بشوند، جای خویش دانند و غریب نباشند و راست باز جای خویش شوند. و در دین گوید که چون آن کس که نوزود کرده باشد یا گیتی خرید یشته باشد، ازین جهان بشود، به سر چینود پل<sup>۱۴</sup> روانهای و درندگان<sup>۱۵</sup> از روزگار زراتشت اسفنتمان تا این روزگار همه را پیش باز آیند و آن را به خویشتن پذیرند و او را به کرفه خویش هم بهره کنند و روان او رامش نمایند و جمله به همراهی با او بروند تا او را به جایگاه خویش رسانند و خرمیها کنند و او را دل خوشیها دهند تا آن رنج که به وقت جان کردند و آن سه روز<sup>۱۶</sup> که در گیتی بود و رنج شمار کردن به چینود پل و این جهان از دل او ببرند و امیدهای تن پسین<sup>۱۷</sup> او را می‌گویند تا آن روان بر آن سبب خوشدل می‌باشد و کرفه گیتی خرید یشتن چندان سال که او را زندگانی باشد به هر سال هم چندان کرفه باشد که اول کرده باشد، زیادت می‌شود و شب چهارم که کرفه گناه سنجند هم بر حساب گیرند و از گناه بکاهند.

متاسفانه از دوره ایران باستان متنی که به طور مستقل بتوان آن را «توبه‌نامه» یا «نماز توبه» تلقی کرد، باقی نمانده است. در لابلای متون نسبتاً اخیر زردشتی به قطعاتی تحت عنوان «پتت» برمی‌خوریم که در آنها تائب به گناهان خود اعتراف می‌کند و از درگاه خداوند برای آرامش روح خود آمرزش می‌طلبد. لفظ «پتت» که برای عنوان این متون برگزیده شده است، به قرنهای پیش و دوران باستان برمی‌گردد. این لفظ در کتاب اوستا به دو صورت دیده می‌شود، یکی Paitita به معنای «بازگشت» و «کفاره» (Bartholomae, 1961, p.899). این واژه از جزء پیشین paīti و ریشه -ay به معنای «رفتن» ساختن شده است (Bartholomae, 1961, p.151). با گذشت سالهای متمادی واژه موردنظر در فارسی میانه



و پازند به شکل petit درآمد (Modi, 1922, p.98) (Mackenzie, 1971, p.68) و به صورتهای «پتت» و «پتفت» به فارسی دری رسید (برهان، ۱۳۵۷، ص ۳۶۷).

از توبه‌نامه‌هایی که احتمالاً در زمانهای دور به زبان اوستایی تنظیم شده بود، امروزه هیچ اثری در دست نیست. در زمان ساسانیان که کلیسای مسیحی در صدد تبلیغ مسیحیت در ایران درآمد، برگ برنده‌ای که در اختیار داشت، آن بود که می‌گفت حضرت عیسی (ع) آمده است تا بار گناهان همه پیروان خود را به گردن بگیرد و بنابراین هرکس در نزد کشیشان اقدام به توبه نماید، تمام گناهانش بخشیده خواهد شد و در آن دنیا در بهشت به آرامش ابدی دست خواهد یافت. این تبلیغ چنان در میان مردم موثر واقع شد که یکی از موبدان دانشمند زردشتی به نام آذرباد مهرسپندان<sup>۱۸</sup> در زمان شاپور دوم ساسانی برای مقابله به فکر تنظیم توبه‌نامه افتاد (آذرگشسب، ۱۳۵۴، صص ۳-۱۸۲) تا زردشتیان یا پیش خود توبه‌نامه را بخوانند یا در نزد یکی از موبدان مراسم اعتراف به گناه را بجا بیاورند (Dhabhar, 1909, p.35). بویس (۱۳۷۴، ص ۴۲۶) احتمال می‌دهد که این متون پس از فروپاشی ساسانیان نوشته شده باشد. به هر حال تحت تأثیر عوامل یاد شده و دگرگونی‌هایی که در این پژوهش به آنها اشاره شد، توبه‌نامه‌هایی به منظور رسمیت بخشیدن به اعترافات گناهکاران تهیه گردید و بدین ترتیب «توبه» و مراسم آن به صورت یک امر شرعی لازم‌الاجرا درآمد. امروزه متن این توبه‌نامه‌ها به عنوان «نماز پتت» در دست است که همگی از ارزش والایی برخوردارند و از اهمیت فوق‌العاده آنها همین بس که در کتاب «صد در بندهش» آمده است (Dhabhar, 1909, p.159)

چه اندر دین گوید که هرکس که او «پتت» کرده باشد، اگرچه گناه بسیار کرده باشد و کند، هرگز به دوزخ نرسد مگر گناهی که در زن کسی جسته باشد، چه آن گناه به هیچ کرفه از بن او به نشود. و چون به چینود پل رسد، امشاسفندان<sup>۱۹</sup> او را بینند و گویند دزد و دروند<sup>۲۰</sup> آمد، ازو دور باید بودن.

با چنین برداشتی است که امروزه نماز توبه در بسیاری از مواقع به عنوان یک دعای آرامش‌بخش خوانده می‌شود و زردشتیان با برگزاری این نماز درون خویش را از هرگونه گناه

اخلاقی و شرعی که احتمالاً مرتکب شده‌اند، پاک می‌سازند تا ریشه گناه را از بن قطع کرده باشند و از رشد روزافزون آن جلوگیری نمایند. در فصل چهل و پنجم از کتاب «صد در نثر» به توصیف جالب توجهی از رشد ثواب و گناه برمی‌خوریم: (Dhabhar, 1909, pp.34-35):

*این که پیوسته می‌باید که توبت کردن بر یاد دارند. هرگاه که گناه از دست آید، جهد باید کردن تا پیش هیربدان و دستوران و ردان شوند<sup>۱</sup> و توبت بکنند که گناه مانند کرفه همچنان که کرفه از آن وقت که بکنند تا مردم زنده باشد، هر سال دیگر بر می‌شود و گناه نیز همچنان هر سال بر سر می‌شود و چون توبت بکنند دیگر نیفزاید، همچون درختی بود که خشک شود و دیگر افزایش نکند.*

در میان متون فراوان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) و پازند چهار توبه نامه به جا مانده است که دارای متنی تقریباً یکسانند و هر کدام به مواقع و مراسم خاصی اختصاص دارند. از آنجا که این دعاها پیروان معتقد را از هرگونه اندیشه پلید و نگرانی درونی فارغ می‌سازد و قلب و روح آنان را صفا می‌بخشد، بنابراین صرفاً اختصاص به زمان اعتراف به گناه ندارد و در مراسمی نظیر حلول سال نو و عقد زناشویی نیز قرائت می‌شود. در این توبه‌نامه‌ها که به «پتت» مشهورند، قبل از هر چیز به گناهای اشاره می‌شود که انسان نسبت به اهورا مزادا و امشاسپندان یعنی اردیبهشت، خرداد، مرداد، شهریور، بهمن و اسفند مرتکب شده است. سپس گناهای برشمرده می‌شود که جنبه اخلاقی دارند، مانند آزمندی، غرور، شک، دشمنی، کاهلی، کینه‌ورزی، خشم و غیره. سرانجام نوبت به گناهای می‌رسد که بر اثر سرپیچی از مقررات طهارت از انسان سر زده است. متن این نمازها را امروزه در «خرده اوستا» می‌توان یافت (آذرگشسب، ۱۳۵۴-۱۳۵۴، ۱۶۴، صص ۱۸۵-۱۶۴). یکی از این توبه‌نامه‌ها، همان‌طور که پیش از این اشاره شد، منسوب به موبدان موبد زمان سلطنت شاپور دوم ساسانی است و تحت عنوان «پتت آذرباد مهرسپندان» شهرت دارد و گاه «پتت پشیمانی» نیز خوانده می‌شود. متن دوم «پتت ایرانیک» یا «توبه‌نامه ایرانی» نام دارد. توبه‌نامه دیگری نیز در دست است موسوم به «پتت خود» یا «خود پتت» که تأثب می‌تواند اعتراف نامه را نزد خود قرائت کند. توبه‌نامه

چهارم که «پت و دردگان» یا «پت روانی» نام دارد، اولین نمازی است که پس از درگذشت زردشتیان برای آمرزش روح آنان خوانده می‌شود تا از عقوبت گناهان خود در آن جهان معاف گردند.

نتیجه:

از آیین توبه در میان قوم «هند و ایرانی» اطلاعی در دست نیست ولی از زمانی که این قوم به دو طایفه «هندی» و «ایرانی» تقسیم شده و زیستگاه مشترک خود را ترک کردند، متون مکتوبی به جا مانده است که مشترکات این متون به پژوهشگران اجازه می‌دهد، ریشه‌ی رسوم کهن را دریابند و به فلسفه اخلاق اجتماعی و مراسم شرعی آن دوران پی ببرند. به هر تقدیر از لابه‌لای متونی که پیشینه آنها به هزاره اول پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد، می‌توان دریافت که به امر توبه و جبران گناه توجه بسیار می‌شده و کفاره گناه صرفاً اقدامات عام‌المنفعه یا در حقیقت خیرات و مبرات بوده است. با پشت سر گذاشتن چندین قرن در کفاره گناه نوعی دگرگونی حاصل شد و تا حدودی به اظهار ندامت و پشیمانی منحصر گردید. نکته مهم دیگر این که توبه و کفاره آن باید در زمان حیات شخص انجام می‌گرفت و از طرف دیگر کسی نمی‌توانست به نیابت از جانب دیگری اقدام به توبه یا تأدیه کفاره نماید. با گذشت قرن‌ها، تحت تأثیر تبلیغات مسیحیان در قرون وسطی، شرایط توبه و کفاره گناه در نزد ایرانیان دستخوش دگرگونی شد. در این هنگام در برخی امور شرعی از جمله «توبه» مسأله نیابت جایز شمرده شد و به تدریج تغییر عمده دیگری نیز پیش آمد که کفاره گناه را به راه جدیدی کشاند و تکلیف شرعی تازه‌ای را به نام «گیتی خرید» به وجود آورد. بدین ترتیب علاوه بر آنچه گذشت، توبه‌نامه‌هایی هم تنظیم شد که گناهکاران می‌توانستند با قرائت آنها در نزد خود یا ترجیحاً در نزد موبدان به گناهان خویش اعتراف نمایند و گذشته از آن، بوسیله «گیتی خرید» از مصائب دوزخ در امان بمانند. قابل توجه آن که بعدها رسم دیگری نیز به وجود آمد، بدین صورت که این توبه‌نامه‌ها یا «نماز پت» در مراسم گوناگونی به عنوان دعای آغاز سال نو و شروع زندگی

زناشویی و غیره هم مورد استفاده قرار گرفت تا موجبات پالایش و تسکین روح را فراهم آورد و بر گناهان احتمالی شخص قلم عفو بکشد.

یادداشتها:

- ۱- و انبیوا الی ربکم (قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۵۴).
- ۲- التائب من الذنب کمن لا ذنب له (حیاتی، ۱۹۸۹، ج ۴، ص ۲۰۸).
- ۳- هریک از بخشهای دهگانه ریگ ودا یک «ماندالا» نام دارد. این واژه در سانسکریت به معنای «دایره، حلقه، دسته، مجموع» است (دارا شکوه، ۱۳۵۶، ص ۶۷۵).
- ۴- خطاب به «ورونا» یا «وارونا» خدای شب و خدای آسمانها پرستاره است. وارونا یکی از قدیم‌ترین خدایان دوره ودایی محسوب می‌شود (همان، ص ۶۹۹).
- ۵- این عنوان به معنای «قانون ضد دیو» است. در این بخش از کتاب اوستا بیشتر به احکام شرعی اشاره شده است.
- ۶- عنوان هریک از فصول «ویدیو دات».
- ۷- چوبدستی باشد که گاو و خر و دیگر ستوران را بدان رانند (معین، ۱۳۷۱، ص ۳۴۲۶).
- ۸- این که از روزه داشتن بیاید پرهیختن، چه در دین ما نشاید که همه روز چیزی نخورند، چه گناه باشد. ما را از روزه داشتن این است که بر چشم و زبان و گوش (و) دست و پای روزه داریم از گناه کردن (Dhabhar, 1909, p.58).
- ۹- کار خیر و وظیفه دینی، ثواب، مقابل گناه (معین، ۱۳۷۱، ص ۲۹۴۶)
- ۱۰- باید «گیتی خرید» نذر کنند.
- ۱۱- به دست خود فدیة داده باشند.
- ۱۲- «نوزود» یا «نوزوت» در نزد مزدیسنان جشن و آداب و مراسمی بوده که پس از کستی بندی (= مراسم بستن کمر بند خاص در سن پانزده سالگی) انجام می‌گرفته است. پارسیان هند این کلمه را نوجوت می‌نامند بعضی از دانشمندان چنین نظر می‌دهند که پس از

کستی بندی بچه زندگی نوعی را شروع می کند و در جمعیت بهدینان وارد می شود. در نزد زردشتیان ایران نوزوت عبارتست از آداب و مراسمی که پس از اجرای آن هیربدزاده‌ای به درجه پیشوای دینی رسیده هیربد می گردد (پورداود، ۱۳۱۰، ص ۶۸).

۱۳- «گروثمان» یا «گروتمان» یا «گرزمان» بلندترین نقطه آسمان را گویند که جای اهورامزدا و امشاسپندان است (فرهوشی، ۱۳۵۲، ص ۱۷۰).

۱۴- پل صراط به اعتقاد زردشتیان (معین، ۱۳۷۱، ص ۴۴۷).

۱۵- درگذشتگان (Mackenzie, 1971, p.90)

۱۶- سه روز پس از مرگ.

۱۷- تن پسین=تن روز پسین که از گور برمی خیزد، قیامت، رستاخیز (فرهوشی، ۱۳۵۲، ص ۴۲۷).

۱۸- آذرباد مارسپندان یا مهرسفندان از مشهورترین موبدان زمان ساسانی و از مقدسان آیین زردشتی است. در سنت مزدیسنان معجزاتی به او نسبت داده‌اند (زرتشت بهرام پژدو، ۱۳۴۳، ص ۱۱۵).

۱۹- امشاسفندان یا امشاسپندان نامی است که به یک دسته از فرشتگان آیین مزدیسنی داده شده و معنای آن «جاودانان مقدس» است. در آیین مزدیسنا چنین آمده است که برای اداره امور جهان فرشتگانی با اهورامزدا همکاری دارند. این فرشتگان به دو دسته مهین فرشتگان و کهین فرشتگان پخش می شوند. مهین فرشتگان امشاسفندان یا امشاسپندان نامیده می شوند و تعداد آنها هفت و خود اهورمزدا در سر آنها قرار دارد (زرتشت بهرام پژدو، ۱۳۴۳، ص ۱۱۹).

۲۰- پیرو دروغ، بدکار، دروغ پرست. در پهلوی این واژه *druvand* و صورت اوستایی آن *drvant* است. در فرهنگهای فارسی به معنای «بدمذهب و فاسق» یاد شده است (زرتشت بهرام پژدو، ۱۳۴۳، ص ۱۳۵).

۲۱- درجات مختلف روحانیون زردشتی.

## منابع

- ۱- آذرگشسب، اردشیر. *خرده/اوستا* (با ترجمه و تفسیر). چاپ سوم. تهران، چاپ راستی، ۱۳۵۴.
- ۲- ابوالقاسمی، محسن. *تاریخ زبان فارسی*. چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۰.
- ۳- برهان، محمدحسن بن خلف تبریزی. *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین. چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۴- بویس، مری. *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴.
- ۵- بیرونی، ابوریحان محمدبن احمد. *الاثار الابقیه عن القرون الخالیه*، به کوشش زاخائو C.E.Sachau. چاپ جدید، بغداد، مکتبه المثنی، ۱۹۲۳.
- ۶- پورداد، ابراهیم. *تفسیر خرده/اوستا*، بمبئی، انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ، ۱۳۱۰.
- ۷- ----- . *فرهنگ ایران باستان*. چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- ۸- جلالی نائینی، سیدمحمدرضا. *گزیده سرودهای ریگ ودا*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- ۹- حیانی، بکری. *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۹.
- ۱۰- دارا شکوه، محمد. *سراکبر (ترجمه اوپانیشاد)*، به سعی و اهتمام دکتر تاراچند و سیدمحمدرضا جلالی نائینی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶.
- ۱۱- داعی الاسلام، سیدمحمدعلی حسنی. *ترجمه وندیداد*، حیدرآباد دکن، مطبعه صحیفه، ۱۳۲۷.

- ۱۲- زرتشت بهرام پژدو. *زرتشت نامه*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۸.
- ۱۳- ----- *ارداویرفنامه منظوم*، به اهتمام رحیم عفیفی، مشهد، چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۴۳.
- ۱۴- فرهوشی، بهرام. *فرهنگ پهلوی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۵- قرآن کریم، همراه با ترجمه فارسی. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نیلوفر و جامی، ۱۳۷۶.
- ۱۶- مصاحب، غلامحسین. *دایره المعارف فارسی*، تهران، مؤسسه انتشارات فرانکلین و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴-۱۳۴۵.
- ۱۷- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*، چاپ هشتم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۱۸- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین. *کشف الاسرار و عده/الابرار*، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ده مجلد، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۳۹-۱۳۳۱.
- ۱۹- میرفخرایی، مهشید. *ترجمه روایت پهلوی*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.

Bartholomae, Chr. *Altiranisches Woerterbuch*. 2. Aufage, Berlin, Walter de Gruyter, 1961.

Dhabhar, E. B. N. *Saddar Nasr and Saddar Bundelesh*. Bombay: The Trustees of the Parsee Panchayet Funds and Properties, 1909.

Mackenzie, D. N. *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press, 1971.

- Modi, J. J. *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay: British India Press, 1922
- Unvala, E. M. R. *Dârâb Hormazyâr's Rivâyat*. 2 vols. Bombay, 1922.